

برخی می‌اندیشند الگوی سوم به معنی زن دارای تحصیلات تکمیلی، چندفرزندی، فعال در تمام عرصه‌ها و... است که هر یک از این مؤلفه‌ها را کسب کرد به زن بودن نزدیک‌تر شده است. اتفاقاً برعکس، زن انقلاب اسلامی در هیچ شابلون و قاعده تنگی نمی‌گنجد؛ بلکه دائماً در حال خلق کردن و شدن است

## عالمی از نو باید ساخت و از نو آدمی

خط بطلانی بردوگانه خانه و اجتماع به دست زنان

زهراسادات رضوی علوی  
کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه



و نقش متفاوتی که به واسطه آن رقم می‌خورد، اشاره نمود. اینها تنها بخشی از تفاوت‌های روتین زندگی زنان هست. از این رونمی توان نسخه واحد برای زنان جامعه پیچید که چنین و چنان باشید تا الگوی سوم شوید اما می‌توان از آنها انتظار داشت که با قدرت انعطاف و راهبری زنانه مسیر مؤثر بودن و تکلیف‌گرایی خود را پیدا کنند. در هر نقطه بسته به شرایط و امکانات خود برای اعتلای کشور قدم بردارند. بی تفاوت نبودن اولین گام برای زن مسلمان ایران است.

زن خلاق ایرانی نمی‌تواند پشت موانع بایستد و انگشت حسرت بگذرد که چرا راه گشوده نمی‌شود، نمی‌تواند منتظر باشد تا ساختارهای عریض و طویل، آگاهانه موانع را رفع کنند و یا ساختارهای اداری فرتوت و خاک‌گرفته‌ای که از پس مسائل خودش بر نمی‌آیند نمی‌توانند هوشمندانه راه را برای زنان بگشایند. پس به نظری رسید یک راه باقی می‌ماند. تسلیم نشدن! هر روز گلابه‌های مادران در خانه مانده را می‌شنویم که خودشان را وقف فرزندشان کرده‌اند اما نمی‌خواهند از تکلیف اجتماعی خود غافل شوند. از رنج انتخاب بین خانه و جامعه می‌گویند؛ از همراه نبودن ساختارهای اداری و شهری با زنان دارای فرزند. از نگاه سنتی و شرقی به زنان که آنها را خانه‌نشین می‌خواهد. از مدرسی که دختران را با برای در خانه نشستن تربیت می‌کند یا برای کالابودگی. هر روز گلابه‌ها در صفحات مجازی و جلسات مطالبات زنان تکرار می‌شود.

آنها منتظرند اتفاقی بیفتد و محاسبات جامعه عوض شود. گره مسائل زنان همین جاست. نمی‌توان در خانه نشست و منتظر تغییر ذائقه جامعه بود. نمی‌توان انتظار داشت دیگرانی باشند که بار همه زنان را به دوش بکشند. تحول اجتماعی وقتی رقم بخورد که زنان برخیزند و با فرزندانشان به میدان بیایند. تحول وقتی رقم می‌خورد که ساختارهای اداری و اجتماعی توان نادیده گرفتن توانمندی و استعداد زنان را نداشته باشد. تحول وقتی رقم می‌خورد که زن، فرزندش را پایان خودش نداند بلکه آن را امتداد خودش در جامعه ببیند و از این رو شهرها، ساختارها را، جلسات را به حضور فرزندانش عادت دهد و البته که این راه سخت و طولانی است. دوگانه‌ها باید ابتدا در اذهان از بین برود تا در جامعه ناپدید شود؛ زمانی که روحیه استقامت و مقاومت نرم زنانه در ما احیا شود و با تمام وجود به میدان بیاییم. پایان این مسیر روشن است. پایان.

واژه‌ها در ذهن ما معنای می‌یابند. معنا تبدیل به حرکت می‌شوند و آنچه از ما رخ می‌دهد به این بازمی‌گردد که در ذهن ما چه می‌گذرد؟! ما بسته به آنکه زن انقلاب اسلامی را زن توانمند و مستعد بدانیم که موانع را هموار می‌کند یا پشت آن می‌ایستد و اظهار ناتوانی می‌کند می‌توانیم جلو برویم یا درجا بزنیم!

الگوی سوم زن، الگوی صلبی نیست که فرض کنیم شاخص‌هایی صلبی وجود دارند و همه باید خود را با آن شاخص‌ها تراز کنند تا زن انقلاب اسلامی باشند. برخی می‌اندیشند الگوی سوم به معنی زن دارای تحصیلات تکمیلی، چندفرزندی، فعال در تمام عرصه‌ها و... است که هر یک از این مؤلفه‌ها را کسب کرد به زن بودن نزدیک‌تر شده است. اتفاقاً برعکس، زن انقلاب اسلامی در هیچ شابلون و قاعده تنگی نمی‌گنجد؛ بلکه دائماً در حال خلق کردن و شدن است. فقط باید در ذهنش بپذیرد که زن بودن با اصولی نظیر معنویت‌خواهی و رشد فردی، اثرگذاری، مسئولیت‌خانوادگی و اجتماعی و در متن حوادث بودن همنشین و همراه است. زن انقلاب اسلامی در افق بلندی به دنبال هدف خلقت است. او انسانی است که خلق شده تا در مسیر عبودیت حرکت کند و در هر لحظه بر تکلیف خود عمل نماید. فلذا زن مسلمان ایرانی راه خودش را از بین انبوه مسائل می‌یابد. بی‌شک ایفای نقش‌های خانوادگی برای زن بخشی از توان و انرژی او را به خود مشغول می‌کند اما نه ما و نه جامعه نباید بپذیریم که همان کافی است. زن در جامعه ما تکلیف سیاسی و اجتماعی دارد، همچنان که در برابر خانواده تکلیف دارد. فلذا راه برون‌رفت از دوگانه کاذب و غلط خانه و اجتماع را باید بیابیم.

بی‌شک زیست‌زنانه با چالش‌های متعددی همراه است. زندگی زنان طبقات اجتماعی و اقتصادی مختلف زیست‌مختلفی را رقم می‌زند. حتماً زنی که به لحاظ اقتصادی توان خرید حمایت بیشتری دارد با زنی که تمام بار زندگی بر دوش خودش هست، متفاوت است. زندگی زن شهری یا روستایی، نوع دغدغه‌ها، میزان امنیت و بستری‌های اثرگذاری، تفاوت جدی با هم دارند چنان‌که گاهی در روستا اثرگذاری و نقش‌آفرینی به مراتب با بستری‌های بیشتری همراه است و البته با امکانات کمتر، همچنین زن در زندگی حمایت‌گرانه از سمت خانواده در فعالیت‌های اجتماعی با زنی که از سمت همسر یا خانواده خود حمایت نمی‌شود شرایط متفاوتی را تجربه می‌کند، حتی باید به میزان سلامت جسمی و توان بدنی زنان



### ۱. چرا اگر نفس جنسیت‌مند نباشد به فرودستی زنان در امور معنوی منجر می‌شود؟

چنانچه توضیح داده شده، غالب افرادی که از عدم جنسیت‌مندی صحبت می‌کنند از بی‌جنسیتی در اکثر امور یا از یک جامعه آندروژنی طرفداری می‌کنند. اما آن‌چه که در واقعیت اتفاق می‌افتد یک جامعه مردساخته با ویژگی‌های مردانه است که به خصوصیات و ویژگی‌های زنانه توجه نکرده است. نتیجه این نگاه همسو نبودن مسائل مرتبط با سلوک معنوی با زنانگی خواهد بود و چون زنان نمی‌توانند با این ساختار همراه شوند نتیجه آن فرودستی زنان در امور معنوی نیز می‌تواند باشد.

### ۲. تفاوت روح با نفس چیست؟ آیا اگر اجزای مادی و غیرمادی انسان را بخواهیم بیان کنیم تنها دو بخش نفس و بدن را شامل می‌شود؟

نفس و روح در نگاه فلسفی اکثر اوقات مترادف هم بیان می‌شود و در این نوشتار نفس در واقع روح تعلق گرفته به بدن مادی است و از حیث ارتباط و اتصالی که با بدن مادی دارد مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفته شده است.

نفس مراتب مختلفی دارد که توجه به این مراتب در حوصله این یادداشت‌های کوتاه نبود، برای کسب اطلاعات بیشتر به کتب «جستارهای اعتقادی، نفس»، انتشارات مؤسسه معارف اهل بیت (علیهم السلام) و «رابطه نفس و بدن از دیدگاه ماصدر و کتاب و سنت» نویسنده محمد تقی یوسفی رجوع کنید. در فضای فلسفه اسلامی برای تبیین چگونگی ارتباط نفس و بدن از روح بخاری کمک گرفته شده است که واسطه نفس و بدن است. البته در حکمت متعالیه نفس، روح بخاری و بدن مراتب یک حقیقت هستند و اتحاد وجودی دارند.

### ۳. به نظر می‌رسد نویسنده محترم در پی اثبات جنسیت‌مندی نفس هستند. این نظر ایشان چقدر با نظر آیت‌الله جوادی آملی که در کتاب زن در آینه جمال و جلال آورده شده است تطابق دارد؟ به نظر می‌رسد ایشان نفس را فاقد جنسیت می‌دانند.

به نظر می‌آید اندیشمندانی مانند آیت‌الله جوادی آملی که به عدم جنسیت‌مندی نفس معتقدند، به تفاوت نفس در نشئه قبل از دنیا و در دنیا چندان توجه نکرده‌اند. و بین نشئه قبل از دنیای نفس و در دنیای نفس خلط کرده‌اند با توجه به این نکته مهم که بحث جنسیت‌مندی یا عدم جنسیت‌مندی نفس در ارتباط با نفس در نشئه دنیا بعد از تعلق به بدن و در حالی است که نفس تدبیر بدن مادی می‌کند، دلایلی که از آثار صدرا و آیات و روایات درباره نفس قبل از دنیا ذکر کرده‌اند نمی‌تواند بر عدم جنسیت‌مندی نفسی که به بدن مادی تعلق گرفته است دلالت کند و بر همین و توضیحاتی بسیار مختصری که در این یادداشت برای اثبات جنسیت‌مندی نفس در حکمت متعالیه و از نظر سایر حکما بیان شد نشان می‌دهد که نفس در نشئه دنیا در حالی که تدبیر بدن مادی می‌کند نمی‌تواند از نظر جنسیتی جهت‌مند نباشد.



هر روز گلابه‌های مادران در خانه مانده را می‌شنویم که خودشان را وقف فرزندشان کرده‌اند اما نمی‌خواهند از تکلیف اجتماعی خود غافل شوند. از رنج انتخاب بین خانه و جامعه می‌گویند؛ از همراه نبودن ساختارهای اداری و شهری با زنان دارای فرزند. از نگاه سنتی و شرقی به زنان که آنها را خانه‌نشین می‌خواهد. از مدرسی که دختران را با برای در خانه نشستن تربیت می‌کند یا برای کالابودگی. هر روز گلابه‌ها در صفحات مجازی و جلسات مطالبات زنان تکرار می‌شود.